



اختیار مرد در طلاق همسر

کلیدواژه: طلاق، اختیار مرد، فلسفه طلاق.

پرسش: چرا طلاق به دست مردهاست؟

پاسخ: طلاق که آن روی سکه ازدواج است، قبل از این‌که جایگاهی حقوقی و مدنی داشته باشد، ریشه در طبیعت دارد و هر زمان که شعله محبت و علاقه مرد خاموش شود، ازدواج از نظر طبیعی مرده است. بنابراین همان‌گونه که مرد آغازگر یک زندگی در طبیعت است، پایان‌دهنده نیز اوست و این طبیعت است که کلید فسخ طبیعی را به مرد داده است و اصولاً چیزی که طبیعت به کسی بدهد، قابل واگذاری نیست. لذا مکانیسم طبیعی ازدواج این است که زن محبوب و محترم باشد و اگر به عللی زن از این مقام سقوط کرد و شعله محبت مرد نسبت به او خاموش شد، یک اجتماع طبیعی به حکم طبیعت از هم پاشیده است با بروز مشکلاتی در نظام خانواده، هم فقه و هم قوانین عرفی راهی جدید برای حمایت از زنان باز کرد. زن با ارائه ادله محکمه‌پسند در مواردی می‌تواند به دادگاه رفته و درخواست طلاق کند؛ برای نمونه، در جایی که مرد توانایی عمل زناشویی را ندارد. یا مفقودالاثرا شده یا نسبت ناروایی به زنش زده و یا دوام زوجیت موجب غسروحرج زوجه است. دادگاه مرد را احضار کرده تا این‌که زنش را طلاق دهد و اگر مرد از این کار سر باز زد، دادگاه (حاکم شرع) او را طلاق می‌دهد. نیز باید خاطر نشان کرد که سوءاستفاده برخی، از اختیاراتی که دارند، به منزله ضعف نظام اسلام نیست و مختار بودن مرد در شرایط عادی، نه کاشف از بی‌توجهی به زنان است و نه طرف‌داری از مردان؛ بلکه به لحاظ خانواده، و نیز در راستای رعایت سایر قوانین فقهی است. هرگاه زن از بودن در کنار مردی ناراحت باشد، با بخشیدن مبلغی می‌تواند خود را طلاق دهد که در اصطلاح، طلاق خلع گویند. با این بیان جای هیچ‌گونه نگرانی برای زنان نیست

فهرست مندرجات

- ۱ - گسستن رشته زناشویی توسط زنان
- ۲ - تناسب احکام مردان با زنان
- ۳ - مزیت حق انتخاب زن
- ۴ - سخت بودن شرایط طلاق
- ۵ - محدودیت مردان در طلاق
- ۶ - علقه زوجیت میان زن و مرد
 - ۶.۱ - اسلام و حکم طلاق
 - ۶.۲ - استفتا از امام خمینی
 - ۶.۳ - فتوای امام خمینی
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

گسستن رشته زناشویی توسط زنان

قبل از پاسخ به سؤال، ابتدا شما پاسخ دهید که اگر قرار باشد در یک نظرسنجی بپرسند: به نظر شما چه کسی یا کسانی عهده‌دار بار سنگین انحلال خانواده و جدایی زن و مرد شوند، پیشنهاد شما چیست و کدامیک را انتخاب می‌کنید؟ آیا ابتدا سراغ بررسی و تحلیل پیرامون توانایی‌ها و حالات روحی و صفات ویژه هر کدام از مردان و زنان نمی‌روید؟ آیا آمار و نمودار و نمونه‌گیری نمی‌کنید؟ روان‌شناسان و محققین برخی کشورهای پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که اگر زنان از لحاظ تأمین هزینه‌های زندگی وابسته به مرد نباشند - جز در شرایط خاص - شاید اصرار بر حفظ پیمان زناشویی نداشته باشند؛ برای مثال برخی زنان در دوران بارداری از مرد خود متنفر می‌شوند و گسستن رشته زناشویی برایشان مهم نیست. نیز برخی از آنان در ایام عادت یا شیر دادن به طفل، یک نوع عصیانیت، ناراحتی و نگرانی روحی در خود احساس می‌کنند. [۱] به‌رحال تصمیم عجولانه و رنجش سریع، از صفاتی است که در خانم‌ها بیش‌تر دیده می‌شود. در مقابل، مردان به لحاظ ساختار روحی سعی دارند کارها را از طریق عقلانیت [۲] و دوراندیشی پیش ببرند. از آنجا که منشا پاره‌ای از طلاق‌ها بر سر مسائل کوچک و جزئی است و برخی در دامن زدن به مسائل جزئی مهارت خاصی دارند، اگر قرار بود اختیار طلاق به دست زنان بیفتد، آمار طلاق به مراتب بیش‌تر از امروز بود؛ زیرا با اندکی تفحص در اطراف خود پی می‌بریم که تحمل و بردباری مردان در مقابل مسائل جزئی بیش از زنان است. (با مراجعه به کتب روان‌شناسی و بررسی نتایج تحقیقات به این مسئله پی می‌بریم که زن در مقابل مرد از توان کمتر برخوردار است؛ به عنوان نمونه، افسردگی یکی از ثمرات عدم تحمل در زندگی است و یک محقق بزرگ به نام «مایرا وایزمن» و همکارانش تحقیقی در زمینه افسردگی انجام دادند که نشان می‌دهد زنان در ۲۰ تا ۲۶٪ مدت عمر خود در خطر افسردگی‌اند؛ درحالی‌که مردان فقط ۸ تا ۱۲٪ مدت عمر خود را در خطر افسردگی‌اند. [۳] با وجود این، نگرش منصفانه به احکام اسلام، بسیاری از شبهات و نگرانی‌ها را خنثی می‌کند.

تناسب احکام مردان با زنان

نیز وظایفی که مرد دارد در مقایسه با وظایف زن، نشانگر برقراری تناسب احکام با روحیات و توانمندی‌های هر کدام است. نمونه‌های زیر مؤید مطلب فوق است. جهاد در جبهه‌های جنگ، در مقابل گرم نگه داشتن کانون خانواده، به دوش کشیدن بار معاش و نفقه در مقابل حمل و حضانت.

مزیت حق انتخاب زن

در جایی که زن حق انتخاب همسر از میان خواستگاران دارد، آیا بهتر نیست انحلال آن به عهده کسی دیگر باشد؟ زیرا انتخاب مرد زمانی تحقق پیدا می‌کند که زن به او «بله» بگوید و انتخاب مرد در بررسی تاریخچه طلاق درمی‌یابیم که ظهور اسلام در جوی که زن کالا بود و جایگاهی حقوقی نداشت، کاری معجزه‌آسا بود و بر زن ارزش نهاده و در وحی، او را در کنار مرد ذکر نمود و بهشت را زیر پای مادران قرار داد و بسیاری از حقوق پایمال‌شده‌اش را به او بازگرداند.

با نگاه به آیات [۴] [۵] [۶] [۷]

و سخنان فرستادگان خدا درمی‌یابیم که طلاق بسی منفور است و زشت‌ترین حلال خداست و شرایط سختی برای آن قرار داده است. به این صورت که مرد به طور مطلق العنان نمی‌تواند زنش را رها کند. شرایط به گونه‌ای سخت بود (نسبت به قبل از اسلام) که مردان سال‌های ظهور اسلام دیدند که در اجرای طلاق موانع سنگینی بر سر راه آنان است. تبعات طلاق از جمله پرداخت مهریه، نفقه ایام عده، نفقه شیر دادن به فرزند، حق سرپرستی و ... سبب شد که جلوی ظلم به زنان گرفته شود.

محدودیت مردان در طلاق

از این‌رو اسلام برای محدود کردن اختیار مردان از دو طریق مؤثر و نافذ اقدام کرد:

یکی از راه تربیت اخلاقی و تحکیم پایه‌های ایمان به خداوند و دیگر به وسیله جعل موانع و شرایط فوق‌العاده مشکل (رجوع شود به این منبع: [۸]) برای طلاق.

علقه زوجیت میان زن و مرد

افزون بر این باید گفت **علاقه** زن به مرد، معلول علاقه‌ای است که ابتدا مرد به زن پیدا می‌کند. [۹] اگر عشق و علاقه از مرد به وجود نیاید، علقه **زوجیت** نیز سر نمی‌گیرد؛ زیرا رابطه زوجیت بر پایه علقه طبیعی است، [۱۰] و آغازگر علقه مرد است. این مرد است که اگر زن را دوست بدارد و نسبت به او وفادار بماند، زن نیز او را دوست می‌دارد، بی‌وفایی زن، عکس‌العمل بی‌وفایی مرد است. [۱۱] بنابراین کلید استحکام بخشیدن (به ازدواج) را **خلقت** به مرد داده است. [۱۲]

طلاق که آن روی سکه **ازدواج** است، قبل از این‌که جایگاهی حقوقی و مدنی داشته باشد، ریشه در طبیعت دارد و هر زمان که شعله محبت و علاقه مرد خاموش شود، **ازدواج** از نظر طبیعی مرده است. [۱۳] بنابراین همان‌گونه که مرد آغازگر یک **زندگی** در طبیعت است، پایان‌دهنده نیز اوست و این طبیعت است که کلید فسخ طبیعی را به مرد داده است و اصولاً چیزی که طبیعت به کسی بدهد، قابل واگذاری نیست. لذا مکانیسم طبیعی ازدواج این است که زن محبوب و محترم باشد و اگر به عللی زن از این **مقام** سقوط کرد و شعله محبت مرد نسبت به او خاموش شد، یک اجتماع طبیعی به حکم طبیعت از هم پاشیده است. [۱۴]

← اسلام و حکم طلاق

دلیل دیگر این‌که حکم طلاق تأسیس اسلام نیست؛ بلکه روال **زندگی** مردم بر آن بوده و اسلام آن را با شرایطی سخت امضا کرده است. پس اسلام **حق طلاق** را واگذار نکرده است؛ بلکه مردها زانشان را طلاق می‌دادند و اسلام آن را طبق احکامی خاص تأیید کرد. مردم به مرور زمان **عادت** کردند که حقوق همسرشان را در هر حالت حتی طلاق بپردازند. تا این‌که در عصر ما به گونه‌ای جلوه کرد که **زنان** احساس کردند وجودشان در منزل معلق است و مرد هرگاه بخواهد، بدون هیچ بهانه و دلیلی می‌تواند همسرش را رها سازد. این نگرانی باعث شد که قانون‌گذار برای حمایت از **خانواده**، قانونی تصویب کند.

← استفتا از امام خمینی

از حضرت **امام خمینی** (رحمة‌الله‌علیه) سؤال کردند: مسئله اختیار طلاق به دست مرد، موجب ناراحتی و تشویش خاطر گروهی از **زنان** مبارز ایران شده است و گمان می‌کنند که دیگر به هیچ‌وجه حق طلاق ندارند و از این موضوع افرادی سوءاستفاده کرده و می‌کنند.

← فتوای امام خمینی

امام (رحمة‌الله‌علیه) پاسخ دادند: برای زنان محترم، **شارع مقدس** راه سهل معین فرموده است تا خودشان زمام طلاق را به دست گیرند؛ به این معنی که ضمن عقد **نکاح** اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق (مطلق یا مشروط)، زن **وکیل** باشد که خود را طلاق دهد. دیگر هیچ اشکالی برای خانم‌ها پیش نمی‌آید و می‌تواند خود را طلاق دهند. [۱۵]

با بروز مشکلاتی در نظام خانواده، هم فقه و هم قوانین عرفی راهی جدید برای حمایت از زنان باز کرد. زن با ارائه ادله محکمه‌پسند در مواردی می‌تواند به دادگاه رفته و درخواست طلاق کند؛ برای نمونه، در جایی که مرد توانایی **عمل زناشویی** را ندارد. یا مفقودالاثراً شده یا نسبت ناروایی به زنش زده و یا دوام زوجیت موجب خسروخرج زوجه است. دادگاه مرد را احضار کرده تا این‌که زنش را طلاق دهد و اگر مرد از این کار سر باز زد، دادگاه (حاکم شرع) او را طلاق می‌دهد. [۱۶] [۱۷] [۱۸]

نیز باید خاطر نشان کرد که سوءاستفاده برخی، از اختیاراتی که دارند، به منزله ضعف نظام اسلام نیست و مختار بودن مرد در شرایط عادی، نه کاشف از بی‌توجهی به زنان است و نه طرف‌داری از **مردان**؛ بلکه به لحاظ خانواده، و نیز در راستای رعایت سایر قوانین فقهی است. هرگاه **زن** از بودن در کنار مردی ناراحت باشد، با بخشیدن مبلغی می‌تواند خود را طلاق دهد که در اصطلاح، **طلاق خلع** [۱۹] گویند. با این بیان جای هیچ‌گونه نگرانی برای زنان نیست.

پانویس

- ↑ حقانی زنجانی، حسین، طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، ص ۲۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴.
- ↑ مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، ص ۱۶۷، اطلاعات.
- ↑ فراتکل، لوتیس، روان‌شناسی زن، مترجم شکوه السادات خوانساری‌نژاد، شکوه دانش.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۳۱-۲۳۲.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۳۷-۲۳۸.
- ↑ طلاق/سوره ۶۵، آیه ۱.
- ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، کتاب الطلاق، باب ۱، مقدمات طلاق.
- ↑ حجازی، بنفشه، زن به طن تاریخ، شهرآب، ج ۱، ۱۳۷۰ ش.
- ↑ مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۶، صدر، ج ۲۹، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۴۱، صدر، ج ۲۹، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۱۶، صدر، ج ۲۹، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۴۱، صدر، ج ۲۹، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۵، صدر، ج ۲۹، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۴، صدر، ج ۲۹، ۱۳۷۹ ش.
- ↑ مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، ص ۱۸۹، اطلاعات (استفتا از امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، انتشارات اطلاعات.
- ↑ قانون مدنی، ماده ۱۲۲.
- ↑ قانون مدنی، ماده ۱۱۲۰.
- ↑ قانون مدنی، ماده ۱۱۲۹ (در موارد امکان فسخ نکاح، مجموعه کامل قوانینی ۷۹).
- ↑ رساله عملیه مراجع میحت طلاق، طلاق خلع.

منبع

